



### تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ امیرحسین جوزدانی

#### چکیده

بیداری اسلامی در کشورهای عربی موجب ایجاد امید و تحول در بین مردم این کشورها شد. این انقلاب‌ها از سال ۲۰۱۰ میلادی نمایان گردید و موجب دگرگونی چهره منطقه و اثرگذاری‌های داخلی و خارجی شد. برخی گرایش‌های فعلی در جغرافیای استراتژیک غرب آسیا، نتیجه بیداری اسلامی در کشورهای عربی است. این گرایش‌ها صرفاً در کشورهای عربی باقی نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. دیده‌بانی سازمان‌های اطلاعاتی این رژیم از جنبش‌های عربی اقدامات اطلاعاتی-امنیتی، پی‌درپی به‌منظور متوقف ساختن نیروهای انقلابی، عملیات پنهانی و خرابکارانه در درون کشورهای عربی، جمع‌آوری گسترده اخبار و اطلاعات از تحولات انقلابی، بهره‌گیری و استقرار سیستم‌های پیشرفته فناورانه علیه کشورهای عربی، بخشی از اقدامات این سرویس‌ها علیه این انقلاب‌ها می‌باشد. این مطالعه به ارزیابی امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، زیرا اسرائیل یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی است که رویدادهای منطقه عربی را با دقت و نگرانی زیر نظر دارد. اسرائیلی‌ها از مدت‌ها قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود.

#### کلمات کلیدی

انقلاب، انقلاب عربی، اسرائیل، موساد، رژیم صهیونیستی.

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

### انقلاب‌های عربی

انقلاب‌های عربی در جهان عرب فقط به کشورهای میزبان محدود نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر امواج خود قرار داد. بعد از آنکه اسرائیل از شوک این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر امنیت خود در منطقه خارج گردید و توانست وضعیت خود را در محیط بحرانی تثبیت کند به واسطه سازمان‌های امنیتی و نهادهای نظامی تصمیم‌ساز خود لحظه به لحظه تمامی رویدادهای این انقلاب‌ها را جهت پیش‌بینی رویدادهای آینده آن و تأثیرشان بر امنیت داخلی و خارجی خود را رصد می‌نماید.

همچنین ویژگی‌های اندیشه امنیتی اسرائیلی در برخورد با انقلاب‌های عربی در دو سطح کلان قابل طبقه‌بندی و تحلیل است:

- شکست فاجعه‌آمیز اسرائیل در پیش‌بینی وقوع انقلاب‌ها و مسیر آن‌ها به واسطه ناتوانی مراکز پژوهشی و دستگاه‌های امنیتی و برآوردهای امنیتی و برآوردهای بخش اطلاعات نظامی
- نگرانی شدید اسرائیل در قبال خروجی این انقلاب‌ها بر اساس برآوردهای سازمان‌های امنیتی خود

اولین شراره‌های انقلاب‌های عربی از تونس بالا گرفت و به سوی مصر و لیبی و سپس یمن و سوریه و سایر دولت‌های عربی دامن گسترده. روشن است که این انقلاب‌ها جدا از نقشی که در آینده منطقه و نقشه سرزمینی کشورهای آن ایفا می‌کنند در قالب یک زلزله امنیتی، تمام نهادهای اطلاعاتی منطقه‌ای و جهانی را در هم ریخته‌اند.

نگاه اسرائیل به انقلاب‌های عربی توأم با دیده‌بانی، پیش‌بینی و نگرانی است و بر همین اساس سرویس امنیتی اطلاعاتی اسرائیل و نظارت آن بر انقلاب‌های عربی می‌نگرد تا از این راه بر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها در کشورهای عربی اشراف یابد. قدر مسلم دولت‌هایی که با اسرائیل روابط سیاسی دارند و معاهده صلح امضاء کرده‌اند، بیش از سایر دولت‌های عربی مدنظر خواهند بود.

این نوشته تصمیم دارد از مسیرهای ذیل بر تعاملات امنیتی اسرائیل با انقلاب‌های عربی متمرکز شود:

- ۱- دیده‌بانی دستگاه‌های اطلاعاتی از جنبش‌های عربی در خیابان‌های اطراف و پایتخت اسرائیل
- ۲- اقدامات اطلاعاتی امنیتی پی‌درپی به منظور متوقف ساختن پیامدهای منفی انقلاب‌های عربی

بر سرنوشت اسرائیل

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۳- هماهنگی امنیتی سرویس‌های اسرائیل با نظام‌های عربی و سایر هم‌پیمانانش در جهان برای کنترل موج این انقلاب‌ها

مطالعه حاضر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها را نیز در نظر دارد تا بر روابط بین سناریوها و امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ میلادی وارد مسیری شده است که در مقیاس تاریخی با نهضت عربی در پایان قرن نوزده برای می‌کرد، عصری که دولت‌های عربی پس از جنگ جهانی اول از دل امپراتوری عثمانی سر برآوردند و مرزهای آنان بر اساس قرارداد بین فرانسه و بریتانیا ترسیم شد.

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از سالیان قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود. جهان در قرنی که گذشت شاهد انتقال قدرت سیاسی از دولت‌های توتالیتر به نهادهای طرفدار آزادی بیشتر، رشد اقتصادی قوی‌تر و پیشرفت فنی عالی‌تر بود. بر این اساس، سرویس‌های امنیتی اسرائیل بارها در پژوهش‌ها و حلقه‌های فکری خویش همراه این سؤال را مطرح می‌کردند که چرا جهان عرب در مسیر فوق گام بر نمی‌دارد؟

گمانه‌زنی‌های گذشته هم‌اکنون به واقعیت بدل شده و نشان می‌دهد که سرویس‌های امنیتی اسرائیل در برابر رویدادهای پیرامونی این رژیم اشغالی دست‌وپا بسته نبودند، پیگیری‌های مداوم اطلاعاتی اسرائیل از تحولات میدانی در پایتخت‌های عربی با نظر به زمینه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی آن در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در نظر گرفتن این مهم که بخش اعظم فعالیت‌های اطلاعاتی امنیتی اسرائیل در کشورهای عربی همچنان پنهان است، اعراب در قبال اقدامات امنیتی اسرائیل اعم از بُعد داخلی که محدود به سرزمین‌های اشغالی است و بُعد خارجی آن واکنش خصمانه دارند.

### **سؤال‌های این پژوهش**

- ۱- چگونه دستگاه‌های امنیتی اسرائیل انتظار انقلاب‌های عربی نداشتند؟
  - ۲- ارزیابی امنیتی اسرائیل از اثرگذاری انقلاب‌های عربی بر فلسطین اشغالی چیست؟
  - ۳- نگاه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل بر ارزیابی این انقلاب‌ها چگونه است؟
- همچنین در کنار این سؤال‌ها به مطالعه و تحلیل تعداد از مهم‌ترین سناریوهای قابل پیش‌بینی برای منطقه خاورمیانه، می‌توان پرداخت.

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوزدانی

### دلایل و ویژگی‌های انقلاب‌های عربی

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از طریق مراکز پژوهشی مرتبط با دستگاه‌های امنیتی و نظامی به آماده‌سازی ارزیابی‌های پی‌درپی از انقلاب‌های عربی سرگرم است. این ارزشیابی‌ها طیفی از دلایل، عوامل، ملاحظات، اعتبارات، روزشمار، طرفداران و همراهان انقلاب‌ها را در برمی‌گیرد.<sup>۱</sup> از لابه‌لای تحقیقات منتشرشده توسط متخصصان اسرائیلی می‌توان به ویژگی‌های بسیار درباره انقلاب‌های عربی پی برد که عبارت‌اند از:

۱. انقلاب‌های عربی بدون رهبری است، به‌سختی می‌توان نام‌هایی را به‌عنوان رهبر جنبش‌ها مطرح کرد، شخصیتی قوی که بتواند این جنبش‌ها را رهبری کند یافت نمی‌شود؛
  ۲. انقلاب‌ها از ایدئولوژی سیستماتیک برخوردار نیست؛ اما از زمانی که اخوان المسلمین با فرایند انقلاب همراه شده است؛ رویکردی عقیدتی با محوریت اسلام سیاسی در جنبش دیده می‌شود. این در حالی است که مجموع دولت‌های عربی علاوه بر میراث سیاسی و تاریخی منحصر به خود، نمودی از مسائل قومی، دینی، اجتماعی و اقتصادی مختلف هستند؛
  ۳. قدرت شبکه‌های اجتماعی باید در نظر گرفته شود؛ زیرا اعراب از آن‌ها استفاده می‌کنند، پس نمی‌توان شبکه‌های اجتماعی را مسدود کرد. در حال حاضر نیز خاورمیانه و کشورهای عربی شاهد رشد شبکه‌های اجتماعی به‌مراتب قوی‌تر از فیس‌بوک و الجزیره هستند. مساجد نیز در کنار شبکه‌های اجتماعی وارد کارزار انقلاب شده‌اند؛ اعراب در هر شبانه‌روز برای پنج بار در مساجد گرد هم می‌آیند. از سوی دیگر، انجمن‌های رفا، تربیت، هم یاری و دعوت اخوان المسلمین نیازمندی‌های شهروندان کم‌درآمد را برطرف می‌کنند. با این حساب نتیجه انتخابات در مصر و تونس را باید فیصله یافته [به نفع انقلابی‌ها] در نظر گرفت.
- اسرائیلی‌ها با تکرار کلمه‌های زلزله، طوفان، آتش‌فشان و تحرکات در توصیف رویدادهای بهار عربی، صاحب‌گفتمان ویژه خود هستند؛ زیرا نظام‌های عربی پس از دهه‌ها پایداری اکنون در خطر سقوط قرار گرفته‌اند و به دنبال آن‌ها تمام منطقه در خطر بی‌ثباتی است.
- ناآرامی‌ها در جهان عرب به نام مدرنیته، سکولاریسم و دموکراسی آغاز شد و به‌سرعت به سمت قیام‌های گسترده پیش رفت. بعداز آن انقلاب‌ها به جنبش‌های مقاومت ثبات منطقه را به چالش کشیدند و به توانمندی نظام‌های اسلامی کمک کردند.<sup>۲</sup>

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

ژنرال گیورا ایل‌اند<sup>۳</sup>، رئیس پیشین موسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل و یکی از متفکران امنیتی اسرائیل که به مراکز تصمیم‌گیری در تل‌آویو نزدیک است، درباره انقلاب‌های عربی هشدارهای متوالی داد و گفت: اگرچه انقلاب بزرگ و با تغییرات ریشه‌ای در صحنه منطقه و همچنین در روابط دوجانبه سیاسی و اقتصادی دیگران با اسرائیل رخ نداده، ولی تغییرات تاکتیکی در قالب گسترش قاچاق سلاح و عملیات‌های خصمانه پدیدار شده است؛ اما با وجود این خطر واقعی در پیامدهای صدور بهار عربی به دولت‌های هم‌جوار اسرائیل به‌ویژه پادشاهی اردن نهفته است؛ زیرا انقلاب دمکراتیک اردن زمینه قدرت‌یابی اکثریت فلسطینی ساکن این پادشاهی را فراهم می‌آورد و به دنبال آن ماهیت درگیری اسرائیلی فلسطینی با فرض ارائه پیشنهاد‌های جدید برای حل‌وفصل ماجرا تغییر می‌کند.

به این ترتیب در همان زمان، اسرائیلی‌ها ترسشان را نسبت به اثرپذیری منفی از انقلاب‌های عربی بابت سیطره جنبش‌های اسلامی بر این انقلاب‌ها پنهان نکردند؛ زیرا این جنبش‌ها بیش از پیش از گروه‌های دیگر فرایند تحولات سیاسی جوامع دستخوش انقلاب، مشارکت داشتند. سوارشدن جنبش‌های اسلامی بر موج انقلاب‌ها با ناامیدی اعراب از حل‌وفصل قضیه فلسطینی‌ها و اسرائیل و از دست رفتن فرصت‌های پیاپی برای حل اختلاف‌ها مصادف شده است.

یوسی ورتز؛ مستشرق اسرائیلی می‌گوید ((کارشناسان امنیتی اسرائیل در توصیف جنبش‌های منطقه عنان از کف داده و از عبارت سونامی عربی استفاده می‌کنند که استقرار اسرائیل را در خانه‌اش، به خطر انداخته است. آنان از ناظران امر می‌خواهند با چشمان باز و با لزوم تقویت سازوبرگ امنیتی خویش برای انواع سناریوهای ممکن به‌ویژه از اعتبار افتادن توافقنامه‌های پیشین یا هر تغییر دیگر در حاکمیت طرف عربی آماده باشند)).<sup>۴</sup>

سیلوان شالوم، معاون اسبق نخست‌وزیر اسرائیل، نیز با اطمینان می‌گوید: انقلاب‌های عربی منطقه به‌منزله یک فاجعه برای اسرائیل است؛ زیرا هم‌پیمانان اسرائیل، حسنی مبارک، بن علی را از قدرت ساقط کرد و فرمانروایانی که دوست اسرائیل نخواهند بود را بر سرکار آورد.<sup>۵</sup>

اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند تا دامنه وسیع انقلاب‌های عربی و خروجی این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر آینده رژیم اشغالگر را در دو نقطه مشخص کنند.

۱. نقطه اول: ضعف دولت‌های هم‌پیمان با غرب به دنبال کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه، علاوه بر کاهش قدرت اعراب به نفع دیگران از جمله ایران و ترکیه

۲. نقطه دوم: شکل‌گیری صحنه جدید در منطقه با استعداد تهدیدات بی‌شمار برای اسرائیل که در موارد زیرنمایان می‌شود.

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوزدانی

الف) شک و تردید نسبت به رفتار حاکمان دولت‌های هم‌جوار با فلسطین اشغالی نسبت به انقلاب‌ها و تهدیدها و چالش‌های برخاسته از آن؛  
ب) افزایش فعالیت‌های خصمانه؛  
ج) کاهش قدرت بازدارنده اسرائیل؛  
د) رشد انزوای منطقه‌ای اسرائیل؛  
و) ادامه چالش هسته‌ای ایران؛<sup>۶</sup>

اما بخش سیاسی انقلاب‌های عربی یک تنگنای استراتژیک برای اسرائیل می‌آفریند که به‌صورت مستقیم بر وضعیت سیاسی اسرائیل اثر مخرب می‌گذارد. از جمله:

۱. افزایش انزوای اسرائیل در منطقه به دنبال سقوط حسنی مبارک، در مصر که هم‌پیمان مهمی برای اسرائیل به حساب می‌آمد
۲. نگرانی اسرائیل از نتایج درگیری بین نیروهای دموکراسی خواه و اسلام‌گراها بر سر حاکمیت در کشورهای عربی در مرحله پس از انقلاب. اسرائیل بابت حل‌وفصل درگیری به نفع اسلام‌گراها و قدرت‌یابی آنان در وحشت به سر می‌برد.
۳. از بین رفتن نقش منطقه‌ای حسنی مبارک به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دوستان اسرائیل و به دنبال آن از بین رفتن توازن دقیق قوا در خوار میانه به زبان اسرائیل با نظر بیامین بن الیعزر<sup>۷</sup>
۴. وحشت اسرائیل از تبدیل شدن تدریجی مصر به دولتی قوی در منطقه مانند ایران و ترکیه تا جایی که اسرائیل در برابر یک محور منطقه‌ای با حضور ایران و ترکیه و مصر قرار گیرد.
۵. نگرانی از ادامه بی‌ثباتی در منطقه عربی و این مسئله برای اسرائیل به‌مراتب از موضوع دموکراسی مهم‌تر است.

در پرتو دگرگونی‌های دنباله‌داری که در انقلاب‌های عربی به وقوع می‌پیوندد، دو چالش اساسی پیش روی اسرائیل قرار می‌گیرد که به شرح ذیل است.

۱. سطح اول: به‌صورت مستقیم متوجه وضعیت مصر است؛ زیرا وقتی که در مصر یک نظام دموکراتیک معتدل بر سرکار بیاید اسرائیل نیز به دلیل همسایگی با مصر در موقعیت سختی قرار می‌گیرد و با مشکلات دشواری روبه‌رو می‌شود که ساده‌ترین راه بیان آن چنین است: یقین به شک یا به عدم اطمینان تبدیل می‌شود؛
۲. سطح دوم: به نتایج کلی در خاورمیانه مربوط می‌شود: زمانی که جنبش‌های مردمی ثبات سیاسی را در دولت‌هایی که سر جنگ با اسرائیل ندارند بیش از سایر کشورها متزلزل کنند. پادشاهی

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

اردن و حکومت خود گران فلسطین بر اساس نظر اسرائیل در زمره دولت‌های معتدل هستند. افرادی که قائل به سناریوی سطح دوم هستند، حتی ذره‌ای به عواقب این تهدید خوش‌بین نیستند.

مشکل استراتژیک اسرائیل به دنبال انقلاب‌های عربی در انزوای حداکثری این رژیم در خاورمیانه و از دست دادن دوستانش قابل‌تعبیر است. این مهم با فروپاشی پیمان ترکی اسرائیلی، انزوای گسترده اسرائیل در منطقه و ضعف آشکار آمریکا در خاورمیانه پدیدار شده است؛ بنابراین شرایط، اسرائیل باید به دنبال هم‌پیمانان جدید باشد و این چالشی است که ایتمار لوین، پژوهشگر دیپلماسی اسرائیل به آن پرداخته و معتقد است تحولات کنونی از اسرائیل مطلبد تا آمادگی تاکتیکی و استراتژیکی خود را در سطوح مختلف به‌شدت بالا ببرد.<sup>۸</sup>

به نظر می‌رسد قوی‌ترین جملات در رابطه با بن‌بست اسرائیل در برابر انقلاب‌های عربی بر زبان رئیس سابق این رژیم، شیمون پرز جاری شده است که به‌روشنی بر بدبینی او نسبت به وضعیت بین‌المللی اسرائیل اشاره دارد. او گفت حتی یک نفر هم نمی‌داند اعتراضاتی که کشورهای عربی را در بر گرفته چگونه پایان خواهد یافت؛ زیرا تندروهای اسلام‌گرا در مصر و تونس توانسته‌اند در هرم قدرت بالا بروند و نیروهایشان را مستحکم کنند.

بر اساس این مطالبی که مطرح شد گرایش غالب در تحلیل اسرائیلی‌ها از انقلاب‌های عربی بر این مهم تأکید دارد که رویدادهای پیرامونی هشدار برای تغییر محیط استراتژیک اسرائیل و برچیده شدن قضاوت‌های سابق است؛ زیرا تفکر سیاسی اسرائیل تا پیش از بهار عربی اسیر صورتی قدیمی بود که از جنبش‌های مردمی در سال‌های گذشته برای خود رسم کرده بود؛ دولت‌های عربی بر اساس این تصور قدیمی توجهی به نوسان تغییرات جامعه عربی از سال ۱۹۷۳ نداشته است یا به عبارت درست‌تر، مجال به‌روزآوری پیدا نکرده است.

بازگشت به گذشته امکان ندارد، این درسی که اسرائیل باید از انقلاب‌های کنونی بگیرد و با پیامدهای دشوار آن‌ها دست‌وپنجه نرم کند. تجربه ثابت کرده که نهایت تصمیم با مردم و آینده در دستان آن‌هاست. این یعنی اسرائیل باید در سیاست گذشته خویش تغییرات ریشه‌ای ایجاد کند و بداند که ادامه سیاست‌های سابق که در دهه اخیر با افراط‌گری بیشتری همراه شده دیگر ممکن نیست؛ دوره‌ای که احزاب راستی‌تر شده‌اند و قواعد جدید اسرائیل برای حل‌وفصل مناقشه عربی اسرائیلی به معنای جنگ ابدی خواهد بود.<sup>۹</sup>

ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه فوق در ابتدای قیام‌های عربی برای اسرائیلی‌ها ایجاد شد؛ اما باگذشت حدود یک سال به‌ویژه پس از انقلاب مصر در اواسط سال ۲۰۱۳ موضع‌گیری اسرائیلی‌ها نیز

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

تغییر کرد؛ نیروهای امنیتی اسرائیل متوجه شدند دگرگونی‌های اطرافشان با وجود زیان‌هایی که به وجود آمده، به نفع آن‌ها نیز تمام شده است. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از سقوط تعدادی از رژیم‌های موافق با کیان اسرائیلی، اما دامنه اعتراضات به کشورهای ضد اسرائیلی از جمله سوریه نیز کشیده شده است و نظامی که تا چندی پیش دشمن سرسخت اسرائیل به حساب می‌آمد، اکنون درگیر جنگ داخلی شده و به دنبال آن تهدیدات پیرامونی رژیم اسرائیل نیز فروکش کرده است. به‌ویژه آنکه رفتار مشابه ارتش‌های عربی سوریه و مصر با مردم باعث شد تا ارتش‌های سوریه، مصر و عراق (به خاطر درگیری با داعش) دیگر به مناقشه عربی اسرائیلی فکر هم نکنند.

با تمام این تفاسیر اما محیط استراتژیک اسرائیل تا قبل از جنبش‌های عربی وضعیت بهتری داشت. سرویس امنیتی اسرائیل در همان اوایل اطمینان حاصل کرد که جوانی به اسم محمد بو عزیز، در شهرستان سیدی بو زید تونس، در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی خودش را به آتش کشیده است.

حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر به فاصله هجده روز از کرسی قدرت به زیر کشیده شد. جوانان یمنی تجربه میدان‌التحریر مصر را تکرار کردند و جهانیان را با حضور پرشور و انقلاب مسالمت‌آمیز خویش شگفت‌زده کردند و انقلابی‌ها در لیبی در هفدهم فوریه کار خود را برای سرنگونی قذافی و روی کار آوردن نظام جدید آغاز کردند.

مراکز پژوهشی و تصمیم‌ساز اسرائیل به دنبال شکل‌گیری قطب مردمی تلاش کردند و به یک سؤال اساسی پاسخ بدهند؛ اسرائیل چگونه می‌تواند از اغتشاشات کنونی خاورمیانه در راستای بهبود و استحکام سیطره خویش بر منطقه بهره‌برداری کند و قیام‌های فعلی را به خدمت خویش در آورد؟ اسرائیل با چشمان خود دید که جمعیت متراکم توانست در تونس و مصر دو رئیس‌جمهور به نام‌های زین‌العابدین، حسنی مبارک را سرنگون کند. حال این جمعیت اعتراضی در حال گستردن دایره نفوذشان در همه خاورمیانه بودند.

حلقه‌های امنیتی اسرائیل به هنگام برآورد موقعیت استراتژیک این رژیم در برخورد با انقلاب‌های عربی گزینه‌هایی را مطرح کرده‌اند که به شرح ذیل است:

۱. بی‌ثباتی اسرائیل و شکل‌گیری ساختارهایی که آشتی‌جویی کمتری با رژیم خواهند داشت
۲. نیرومند ساختن ائتلاف ضد ایرانی در خلیج‌فارس به‌منظور مقابله با افزایش نفوذ این کشور در سوریه و لبنان
۳. امکان بروز درگیری طولانی‌مدت با سوریه و فلسطینی‌ها



## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۴. کاهش وزنه منطقه‌ای مصر و سوریه به دلیل سرگرم شدن به درگیری‌های داخلی و افزایش تأثیر منطقه‌ای ترکیه و عربستان سعودی

۵. فشار بر حزب‌الله این امکان را فراهم آورد تا مسائل امنیتی با لبنان به گونه‌ای حل و فصل شود که بتواند از ثبات آن تا حدی زیادی اطمینان داشت.<sup>۱۰</sup>

برداشت امنیتی اسرائیل در تفسیر انقلاب‌های عربی گرد محورهای در گردش است:

۱. تمام شرایط قیام‌های عربی از سال‌های دور فراهم بوده است. نظام‌های استبدادی در سال‌های دهه هشتاد و نود قرن بیستم در بسیاری از مناطق جهان از جمله شرق اروپا، آمریکای لاتین و آسیا بر سرکار آمدند. درحالی‌که هم‌زمان دنیای ما شاهد تغییراتی نیز در نظام‌های توتالیتر بود و همین دولت‌های اقتدارگرا به سمت فضای باز، اعطای آزادی‌ها، پیشرفت اقتصادی و مدرن سازی گام برداشتند.

۲. انقلاب‌های عربی از پشتوانه رهبری محروم بودند؛ بنابراین دستگاه‌های امنیتی اسرائیل به‌سختی می‌توانستند نام‌هایی را به‌عنوان رهبران قیام‌ها مطرح کنند و به‌عبارت‌دیگر از آن دست شخصیت‌های برجسته دیگر انقلاب‌ها نمی‌توان سراغی گرفت.

بنیان امر در تمام کشورهایی که فرایند انقلاب در آن‌ها تکمیل شده و یا زدوخورد در آن‌ها همچنان ادامه دارد از میان آوردن اساس حاکمیت سیاسی خویش اعم از اینکه مبنا مردم یا قرآن یا سنت باشد خودداری می‌کنند. اسمی هم از دکترین اقتصادی دولت‌های انقلابی به میان نمی‌آورند که مثلاً قرار است با کدام‌یک از شیوه‌های سوسیالیستی یا سرمایه‌داری یا اسلامی کشور را از بحران‌های دیرینه اقتصادی رهایی بخشند؟<sup>۱۱</sup>

### **نگرش‌های اسرائیل در قبال انقلاب‌های عربی (برندگان و بازندگان)**

اسرائیل باگذشت چهار سال از شروع انقلاب‌های عربی و وارد شدن آن به پنجمین سال همچنان مثل روز اول در حال چارچوب‌بندی برندگان و بازندگان بازی است.

رویدادهای جهان عرب در مسیرهای مختلف و حتی متضاد با یکدیگر در حال حرکت هستند، درحالی‌که راه نرفته بیش از مسافتی است که پیموده شده است و اکثر شاخص‌های منطقه‌ای توازن بین قوا را نشان می‌دهند؛ اما باوجوداین سرویس‌های امنیتی اسرائیل بنا بر مصالح رژیم اشغالگر، پیوسته در حال بررسی داده‌های اطلاعاتی خویش هستند تا بتوانند یک پاسخ اساسی به این سؤال بدهند: برندگان و بازندگان زمین انقلاب‌های عربی چه کسانی هستند؟

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

### تیم اول: برندگان

#### الف) جنبش‌های اسلامی

جنبش‌های اسلامی برنده بزرگ بازی در سال اول انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲) در تونس، لیبی، مصر و سوریه دستخوش جنگ داخلی بودند تا حدی که علائم صعود آنان در هرم قدرت کشورهای خاورمیانه آشکار شد؛ اما در حوزه مسائل استراتژیک، رئیس پیشین شاباک، کرمی گلپون، وحشت خود را درباره نفوذ رو به فزونی اخوان المسلمین در مصر بنا به دلایل ذیل علنی کرد:

۱. عقیده اخوان المسلمین درباره اسرائیل متفاوت از سکولارها است،
۲. اخوان المسلمین در قیاس با نیروی سیاسی حاضر در منطقه از انسجام سیاسی و اجتماعی به مراتب بهتری برخوردار است؛
۳. اگر میدان تحریر مصر از حامیان آن‌ها پر شود خودبه‌خود مجوز قانونی بودن فعالیت‌های آنان صادر می‌شود.

#### ب) قطر

نظر سرویس‌های امنیتی اسرائیل بر این است که شبکه قطری الجزیره با میزانی از چهره‌های برجسته انقلاب‌های عربی و افراد تصمیم‌گیرنده در این انقلاب‌ها علاوه بر نقش منحصر به فردی که در تحریک جنبش‌های عربی بازی می‌کند به دنبال تثبیت موقعیت منطقه‌ای خویش است. بر همین اساس، کارشناسان حمله بی‌امان خود را برای تخریب چهره شبکه الجزیره و زیر سؤال بردن صداقت این خبرگزاری شروع کردند. مرکز گفتگوهای استراتژیک دانیال آهام، سمیناری با موضوعیت عملکرد شبکه الجزیره در فرایند انقلاب‌های عربی با مشارکت اپرایم سنه، جانشین وزیر پیشین دفاع اسرائیل در دانشکده نتانیا، برگزار کرد. او مدعی شد که شبکه الجزیره به محور مقاومت ضد اسرائیلی پیوسته است و بر اساس تمام معیارها برای اسرائیل یک دشمن و یک خطر وجودی به شمار می‌آید. او ادامه داد که شبکه الجزیره درگیری بین اسلام‌گراها و بین کسانی که می‌خواهند در اردوگاه غرب باشند را مدیریت می‌کند.<sup>۱۲</sup>

#### ج) ترکیه

مطابق با ارزیابی امنیتی اسرائیل، ترک‌ها خود را برنده انقلاب‌های عربی تصور می‌کنند، به عبارت دیگر، آن‌ها با وجود پرداخت هزینه سنگین سیاسی بابت موضع‌گیری مبهم در قبال بحران لیبی، زیان دهی میلیاردها دلاری در سرمایه‌گذاری‌های لیبی و سوریه، برخورد با چالش‌های سخت به

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

خاطر هم‌جواری با سوریه و دست‌وپنجه نرم کردن با جنبش کردها در داخل، اما همچنان خود را برنده ناآرامی‌های جهان عرب می‌دانند.

افرا بنجیو، مسئول سابق امنیتی موساد در بخش کردهای خاورمیانه گفت ترکیه در پرتو نوسانات خاورمیانه به دستاوردهای بسیاری دست‌یافته است. برای مثال حادثه کشتی ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰ و موضع‌گیری آن‌ها در قبال یورش اسرائیل بر غزه که عملیات الرصاص المصبوب، در سال ۲۰۰۹ مشهور است، ناگهان موقعیت ترک‌ها را در جهان عرب تقویت کرد، به‌گونه‌ای که آنان اجازه یافتند وارد بازار و بسیاری دیگر از کانال‌های عربی شوند.<sup>۱۳</sup>

### **د) اسرائیل**

واگرایی و به خود سرگرم شدن محیط شدن استراتژیک پیرامون اسرائیل از منظر امنیتی به نفع اسرائیل تمام شد. تعدادی از امنیتی‌های اسرائیلی از جمله موشه یلعون وزیر جنگ اسرائیل، گیورا ایل‌اند و عاموس یدلین هرچند به‌صورت پراکنده در این باره سخن گفته‌اند.

### **تیم دوم: بازندگان**

زمانی که سخن از بازندگان انقلاب‌های عربی به میان آمد، سرویس‌های امنیتی اسرائیل به‌صورت مشروح و مفصل به ارزیابی‌های دوره‌ای پرداختند و اسامی بازندگان انقلاب‌ها را به شرح ذیل مشخص کردند.

### **الف) حاکمان عرب**

رهبران مصر، تونس، لیبی و یمن سرنگون شدند و صدها هزار نفر در لیبی و سوریه کشته شدند و فریاد خشم مردم در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی این شش دولت طنین‌انداز شد.

### **ب) ایالات متحده آمریکا و غربی‌ها**

دو هم‌پیمان مهم ایالات متحده در مصر و تونس سرنگون شدند و سرنگونی مبارک به شکل ویژه برای سعودی و اسرائیل گران تمام شد، علاوه بر این‌ها به‌موازات بی‌ثبات شدن لیبی و یمن فرصت نیرومندی القاعده در منطقه فراهم آمد.

### **ج) اسرائیل**

به نظر می‌رسد اسرائیل به بدترین وجه بازنده انقلاب‌های عربی است و همچنان انتظار می‌رود وضعیت به زیان این رژیم ادامه داشته باشد. ممکن است به نظر به برسد که اسرائیل به آرامش نسبی پس از طوفان انقلاب‌ها و تغییرات عربی رسیده است و افق رویدادها هرگز به نفع اسرائیل نخواهد بود.

## د) ایران

ایران در ابتدای انقلاب‌های عربی بابت سرنگونی حکومت‌های سرسپرده به غرب و هم‌پیمان اسرائیل راضی به نظر می‌رسید. خوشحالی ایران زمانی بیشتر شد که شیعیان بحرین علیه آل خلیفه قیام کردند و قیمت جهانی نفت نیز رو به افزایش گذاشت؛ اما با رسیدن بهار عربی به سوریه، هم‌پیمان بزرگ ایران در جهان عرب، ناگهان دچار زیان جبران‌ناپذیری گردید؛ زیرا تهدید حاکمیت سوریه به تقویت پایگاه سلفی‌ها در سعودی و تضعیف حاکمیت شیعه منجر می‌شد.

بر اساس مطالعات و ارزیابی‌های صورت گرفته، تغییرات جهان عرب به نفع جمعیتی رقم خورد که با آمریکا دشمنی ریشه‌ای دارند.

مئیر لیتواک، تحلیلگر ارشد دانشگاه تل‌آویو در امور ایران اعتقاد دارد که هرچند ایران بابت سقوط مبارک در مصر نفسی راحت کشید، اما در روند انقلاب‌های مداوم عربی ضررهای بسیاری دیده است. برای نمونه ایران هنوز نتوانسته است با نصر بعد از حسنی مبارک ارتباط قدرتمندی برقرار کند. (محمد مرسی رئیس‌جمهور گذشته مصر که تنها شخصی است که به‌صورت دمکراتیک انتخاب شده به در حاشیه دیدار با رئیس‌جمهوری وقت ایران (محمود احمدی‌نژاد) در اجلاس سران غیر متعهدها دیدار داشته است و بیان نمود ایران کشور دوست و برادر ما می‌باشد).

یادآوری این نکته ضروری است که در ارزیابی برندگان و بازندگان انقلاب‌های عربی نوعی عدم استقرار و سیالیت وجود دارد، برای مثال حتی درباره اسرائیل که بابت شعله‌ور شدن انقلاب در مصر و سقوط مبارک، خسارت سنگینی متحمل شد و به‌سرعت از شورش‌های سوریه ابراز شادمانی کرد نمی‌توان نظر ثابتی ارائه کرد.

اسرائیل مصادف با شعله‌ور شدن انقلاب‌های عربی و تا هم‌اکنون موضعی خصمانه در قبال آن‌ها در پیش گرفته است. این برداشت منفی به عواملی برمی‌گردد که به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نظام مصر به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان اسرائیل در دهه‌های گذشته در امواج انقلاب غرق شد. این در حالی است که خدمات مصر مبارک به اسرائیل قابل ارزش‌گذاری نیست.

۲. ظرفیت واقعی و قابل‌لمس انقلاب‌ها به آن‌ها امکان می‌دهد دولت‌های عربی را از ساختار استبدادی و فاسد موجود رهایی بخشند و نظامی دمکراتیک و مدرن بر سرکار بیاورند. نظام‌های برآمده از انقلاب‌ها علاوه بر گسترش آزادی مدنی مدرن سازی کشورهای عربی می‌توانند خود را با گذشته، حال حاضر و محیط عربی سازگار کرده و برای بازیابی آرامش، اقتدار و استقلال عربی فعالیت کنند. این

چیزی است که اسرائیل علاقه‌ای به آن ندارد.

۳. اسرائیل با حاکمیت دموکراسی در کشورهای عربی منطقه مخالف است و ادامه کار نظام‌های دیکتاتوری را در کشورهای عربی ترجیح می‌دهد؛ زیرا هم این نظام‌ها و هم اسرائیل از خطر اسلام سیاسی هراس دارند. علاوه بر این، اسرائیل بر اساس تجربه می‌داند که برقراری آشتی و پیگیری منافع مشترک خانواده‌های حاضر در رأس حکومت‌های استبدادی و فاسد به مراتب شدنی‌تر است تا اینکه بخواهد با نظام‌های مردم‌سالار رابطه دوستی و مودت برقرار کند.

۴. انقلاب‌های عربی اهمیت افکار عمومی اعراب را با این ویژگی که مخالف سیاست اسرائیل هستند بر ملا کرد.

با وجود آنکه سرویس‌های امنیتی اسرائیل بارها از دولت اشغالگر خواستند به آشکار در حمایت از یک طرف و مخالف با طرف دیگر موضع‌گیری نکنند و وانمود کنند در رابطه با انقلاب‌ها و جنبش‌های عربی بی‌طرف است؛ اما آنچه در خیابان‌های قاهره، تونس، طرابلس، دمشق و صنعاء روی داد به ما ثابت کرد قیام‌های عربی فقط یک موضوع داخلی نیست بلکه منافع و مصالح اسرائیل از این قیام‌ها متأثر هست.

دو سرویس امنیتی موساد و آمان به خاطر وحشت از اثرگذاری ناگهانی تحولات منطقه بر امنیت اسرائیل در حال جمع‌آوری فوجی از گزارش‌ها و اخبار اطلاعاتی هستند که توسط پیگیری‌های رسمی اسرائیل در رابطه با تحولات کشورهای منطقه در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی و استراتژیک هستیم.

دستگاه‌های امنیتی. اداره‌های تصمیم‌سازی اسرائیل جلساتی را با مشارکت اعضای کابینه وزیران با تخصص امور سیاسی و امنیتی، افسران بلندپایه بخش اطلاعات نظامی و تمام گروه‌ها و مراجع متخصص در برآورد موقعیت‌ها به منظور بحث و بررسی درباره گزارش‌های اطلاعاتی میدانی از صحنه منطقه تشکیل دادند. خروجی این جلسات بر این تکیه داشت که اسرائیل باید حداکثر فرصت‌ها را با در نظر گرفتن خطرهای ناشی از زلزله انقلاب‌های عربی به دست بیاورد.

تونس‌ها پیش‌قدم تحولات جهان عرب شدند، اما انقلاب مصر و شورش‌های داخلی سوریه بود که توسط اسرائیل به عنوان تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در نظر گرفته شد؛ زیرا هم مصر و هم سوریه اهمیت تاریخی، جغرافیایی و جمعیتی برخوردار هستند و هر حادثه‌ای که این دو کشور را با خود درگیر کند می‌تواند انزوا و محاصره بین‌المللی اسرائیل را تشدید کند و بر توازن قوای منطقه نیز تأثیرگذار باشد.<sup>۱۵</sup>

#### **جایگاه اسرائیل در انقلاب‌های عربی**

اسرائیل در دهه‌های گذشته همواره بر سیاست همسایه‌های ضعیف، پراکنده و بی‌طرف متمرکز بوده

## تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

است؛ بنابراین طبیعی است که این رژیم در طول چهار سالی که از شروع انقلاب‌های عربی می‌گذشت (۲۰۱۱-۲۰۱۵) تا هم‌اکنون در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در تنگنای استراتژیکی، امنیتی، نظامی به سر می‌برد.

آهارون زیوی فرکش، رئیس پیشین بخش تحقیقات در اطلاعات نظامی اسرائیل عقیده دارد انقلاب‌های عربی آرامش اسرائیل را به‌واسطه بر هم زدن واقعیت ایده آل برای این رژیم بر هم زده است. اردن به حاشیه رانده شده است، لبنان غرق در هرج‌ومرج و درگیری‌های داخلی است و مصر از همه مهم‌تر است، زیرا یک‌طرف توافقنامه‌های صلحی است که بندهای آن عدم درگیری در صحرای سینا را تضمین می‌کند و سوریه همچنان ظرفیت خطرآفرینی را دارد؛ اما در حقیقت این مسئله جدی نیست، زیرا بخش قابل توجهی از تمرکز سوریه صرف سیطره بر لبنان می‌شود.<sup>۱۶</sup>

تحلیل استراتژیک اسرائیلی‌ها در رابطه با انقلاب‌های عربی شکل اسفناکی در پیش‌بینی رویدادها و سرنوشت قیام‌ها با شکست مواجه شد. مراکز پژوهشی، سرویس‌های امنیتی و ارزیابی‌های اندیشمندان این رژیم حتی با وجود رویکردهای متفاوت نتوانست پیش‌بینی درستی از رویدادها و سرنوشت قیام‌ها ارائه بدهد؛ اما رژیم اسرائیل با وجود نگرش منفی به انقلاب‌های عربی بابت ارزیابی جریان‌های فکری منبعث از این انقلاب‌ها به شدن احساس نگرانی کرد؛ زیرا از ابتدا قرار بر این بود که تمام سناریوها در نظر گرفته شود، حتی اگر اسرائیل به انقلاب‌های عربی بدبین باشد.

باین‌حال، اسرائیل رویکرد امنیتی خود را در قبال انقلاب‌های عربی بر مجموعه‌ای از ضوابط و عوامل تعیین‌کننده به شرح ذیل بنا نموده است:

۱. هم‌اکنون راه برای نیروهایی که مخالف اسرائیل هستند و می‌خواهند به نام دمکراسی بر کرسی قدرت بنشینند باز است. اگر این روند ادامه پیدا کند فرایند آشتی با اعراب دچار ضرر خواهد شد؛
۲. قطب‌های ضد اسرائیلی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، وقتی ببینند دشمنان اسرائیل در کشورهای میزبان انقلاب‌ها به قدرت دست‌یافته‌اند برای استحکام و تقویت نفوذ خود رد خاورمیانه تلاش خواهند کرد. در اینجا اگر اسرائیل برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها با کشورهای عربی عجله نکند باید شاهد کمک‌های حداکثری به جنبش‌های مقاومت فلسطینی و استحکام مواضع و قدرت این جنبش‌ها در برابر خود باشد؛
۳. نیازهای امنیتی اسرائیل رو به افزایش است، پس افزایش بودجه ارتش و در پیش گرفتن سیاست آماده‌سازی آن نیز لازم است.

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

انقلاب‌های عربی از طرف اسرائیل به دلیل دامن زدن به جنبش‌های مردمی دگر خواه تخریب روابط اسرائیل و اعراب و بی‌مسئولیتی در قبال فرایند صلح، متهم به اخلاص استراتژیکی در منطقه شده‌اند. بر همین اساس، بحث‌های امنیتی اسرائیل با در نظر گرفتن تحلیل دوید بو کایل، از دانشگاه حیفا، به موارد ذیل تقسیم می‌شود:

۱. ناآرامی‌های جهان عرب نشان داد که مناقشه فلسطین دلیل بی‌ثباتی خاورمیانه نیست بلکه استبداد سیاسی و فقر دو عامل محوری در ناآرامی منطقه است. در تائید این مسئله باید گفت موضوع فلسطین در شعارهای معترضان حاضر در صحنه انقلاب‌ها بروز چندانی نداشت؛

۲. انقلاب‌های عربی با طرح احتمالات تازه به سرگشتگی تفکر امنیتی اسرائیل دامن زد تا جایی که نهادهای امنیتی رژیم اشغالگر قدس از تحلیل و واکنش متحد در قبال رویدادهای منطقه ناتوان شدند؛

۳. دستیابی اسرائیل به حل و فصل اختلافات با سوریه به تضعیف ائتلاف ایران و سوریه کمک خواهد کرد و به دنبال آن بنیادگرایی در منطقه رو به افول خواهد گذاشت. این مسئله زمانی اهمیت خود را آشکار می‌کند که اسرائیل پس از ایران [پهلوی]، ترکیه را نیز به واسطه حوادث کشتی مرمره (۲۰۱۰) در سواحل غزه از دست داد. نگرانی بابت از دست رفتن نقش مصر در مهار جنبش حماس را نیز باید بر موارد قبلی افزود. (آنچه آمد نظر ایلان میزراحی، معاون سابق رئیس موساد است)

۴. خطرات انقلاب‌های عربی، اسرائیل را به انجام اقدامات پیشگیرانه از جمله اشغال دوباره غزه واداشت، زیرا اخوان المسلمین تلاش می‌کنند تا در پرتو فضای باز سیاسی جدید در مصر به غزه در برابر اسرائیل کمک کنند و همین امر به ناامنی اسرائیل و البته خود غزه منتهی گردید.

دگرگونی‌های مداوم امنیتی در جهان عرب یک سؤال اساسی برای اسرائیل مطرح کرده است: آیا اقدامات امنیتی دولت به منظور پیگیری تغییرات منطقه‌ای و به‌طور کلی پیامدهای آن‌ها کافی بوده است؟ زیرا طوفان حوادث تاریخی که خاورمیانه را درنوردید، هم‌اکنون یکسری نتیجه‌گیری‌های کلی را می‌طلبد تا بتوان به‌وسیله آن پاسخی به تغییرات آینده و آثار احتمالی‌اش بر روابط اسرائیل با دولت‌های برآمده از انقلاب‌ها داد.

نظام ارزیابی امنیتی اسرائیل برای تحلیل انقلاب‌های عربی و ابعاد و آثار بالقوه آن‌ها بر رژیم اشغالگر یکسری فرضیه‌ها را در نظر گرفته است. این فرضیه‌ها به شرح ذیل هستند.

۱. با وجود شباهت‌های بسیار، اما جنبش‌های منطقه از یک جنس نیستند؛

۲. منابع آشفتگی در تظاهرات‌های مردمی صورت قابل‌لمسی پیدا کرده است تنها به براندازی

### تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

نظام‌های استبدادی منحصر نمی‌شود بلکه بعد روانی سیاست و مادی اقتصاد نیز در لیست منابع آشفتنگی قرار دارند؛

۳. قرار نیست تمام تغییرات ناشی از مکانیزم انقلاب‌ها به‌ویژه تغییرات منطقه‌ای برای اسرائیل منفی باشد، اما انقلاب‌ها به تهدیدات و خطرهای اساسی اشاره می‌کنند.

اسرائیل نقش زیادی در برنامه‌ریزی، توطئه و به شکست کشاندن انقلاب‌های عربی داشته است. بر اساس این دلایل، اسرائیل از طریق سیستم امنیتی‌اش به خود می‌نگرد و با احتیاط و از طریق عدم اتخاذ اقدامات خطرناک همراه با اولویت بخشیدن به گزینه انتظار و نظارت بر حوادث عربی به سمت برخورد با تحولات منطقه پیش می‌رود زیرا تا این لحظه، به‌صورت نهایی تصویر منطقه شکل نگرفته و شکل‌گیری کامل تصویر منطقه، تأثیرات و پیامدهای زیادی برای اسرائیل خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر، انقلاب‌های عربی به ضرر اسرائیل خواهد بود.

#### نتیجه‌گیری

به‌هرحال دولت اسرائیل در ارزیابی خروجی انقلاب‌ها و تأثیر آن بر کشور، بافت و جهت‌گیری‌هایش ناتوان است؛ اما تا حدی می‌تواند از تندوتیزی پیامدها و خطرات بالقوه آن‌ها بکاهد و دامنه تهدیدهای پیرامونی کیان اسرائیلی را کاهش بدهد. با این حال خطر بزرگی پیش‌روی اسرائیل شاید در هشداری حسی مبارک به آمریکا نهفته باشد؛ مبارک گفته بود تنها جایگزین واقعی به‌جای حکومت دیکتاتوری‌اش یک حکومت اسلامی است که نه‌تنها در مصر، بلکه در تمام منطقه می‌تواند بر سر کار بیاید.

اسرائیل در روند انقلاب‌های عربی خود را در برابر شرایطی کاملاً ناآشنا دید که از او طلب می‌کرد تا درباره توانایی‌های خویش و آثار سیاسی به وجود آمده بیندیشد؛ بنابراین آماده‌سازی نقشه‌های احتیاطی در صورت وقوع بدترین سناریوها، استحکام خطوط دفاع مرزی، برپایی سریع پایگاه‌های فرماندهی و واکنش احتمالی به درخواست اعراب برای بازبینی دوباره شرایط صلح باید در مدنظر اسرائیل قرار می‌گرفت.

تحولات عربی و تأثیر آن بر سیستم امنیتی اسرائیل شبیه گلوله برفی است که به‌تدریج بزرگ‌تر می‌شود و اگر نظام‌های عربی نزدیک به غرب یا همسو با اسرائیل تغییر کنند، موضع‌گیری‌ها نیز به‌صورت ریشه‌ای و اساسی تغییر خواهند کرد و آن نظام‌ها هرگز نمی‌توانند احساسات مردمشان را درباره ارتباط با تل‌آویو نادیده بگیرند. حتی کشورهایی که بنا بر ملاحظات خاص، امکان تغییر نظامشان وجود ندارد، مواضعشان نسبت به مسئله فلسطین و درگیری عربی اسرائیلی تغییر می‌کند.



## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

بعضی از مراکز نزدیک به دایره سیاست‌گذاری اسرائیل، برای مقابله با پیامدهای احتمالی تحولات عربی سناریوهایی را ارائه دادند. همچنین گروه‌های تحقیقاتی و پژوهشی اسرائیلی، دلایل و عوامل را مطرح کردند مبنی بر اینکه تحولات عربی به نفع اسرائیل نیست. این دلایل عبارت‌اند از:

۱. درباره مصر در بین محافل و مراکز اسرائیلی همچنان این سؤال مطرح است که حجم خسارت اسرائیل در روابطش با مصر و ساختار نظام آینده به چه صورت خواهد بود؟ آیا نظام مصر، نظامی پراگماتیسم خواهد بود که پایبند قرارداد صلح امضاء شده هست یا اینکه روابط شاهد بازگشتی جدید است؟

در طول سی سال، اسرائیل به این اطمینان رسید که هرگونه تنش با مصر و هر حادثه‌ای که در عرصه‌های دیگر اتفاق بیفتد، هرگز منجر به آغاز درگیری نظامی حقیقی بین دو کشور نمی‌شود. به همین دلیل، اسرائیل می‌تواند نیروهای خود را در دیگر جبهه‌ها متمرکز کند اما اکنون اسرائیل اطمینان ندارد که در دوره بعدی نیز وضعیت ادامه داشته باشد. این امر بیانگر ضرورت فراهم کردن منابع فراوان برای تأمین نیازهای نظامی امنیتی اسرائیل است تا ارتش بتواند هم‌زمان در چند جبهه فعالیت کند. پیش‌بینی می‌شود که در مرحله بعد شاهد کاهش سیطره امنیت مصر بر مرزها باشیم. به عبارت دیگر، امکان وقوع عملیات فدایی در اراضی مصر وجود دارد.

بعد از کودتا علیه مرسى، سيسى به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید مصر به قدرت رسید. سيسى، فرصت استراحت را به اسرائیل داد. درگیری ارتش مصر با گروه‌های مسلح در سینا باعث شد که اسرائیل وقت خود را صرف جبهه‌های دیگر کند.

۲. در مورد اردن، محافل نزدیک به مراکز سیاست‌گذاری اسرائیل با قاطعیت اظهار داشتند که قدرت نظام اردن به‌صورت نه‌چندان زیاد کاهش می‌یابد و برای اولین بار در اردن اختیارات پادشاه اردن و ضرورت تودیع اختیارات وی بین پارلمان و قصر و قوانین انتخاباتی موجود مورد بحث‌وجدل قرار می‌گیرد.

۳. در عرصه فلسطین، باوجود اینکه سازمان‌های امنیتی اسرائیل شاهد آرامش نسبی در این عرصه هستند اما طبق دیدگاه اسرائیل، این آرامش بیانگر وجود تحرکات زیرزمینی است که از خطری بزرگ، یعنی انتقال موج تحولات عربی به عرصه فلسطین خبر می‌دهد. به همین دلیل، مقامات سیاسی تل‌آویو باید اقدامات پیشگیرانه برای ممانعت از وقوع انتفاضه جدید اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، حوادث منطقه روی ملاحظات و طرح‌های اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها تأثیر می‌گذارد.

## تأثير انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

### منابع:

- ۱) مهم‌ترین مرکز پژوهشی اسرائیل که بر انقلاب‌های عربی متمرکز هستند عبارت‌اند از: مرکز پژوهش‌های استراتژیک بیگن [www.biu.ac.il](http://www.biu.ac.il) موسسه رسانه و سیاست حییم هرزوک
- ۲) درباره: الربیع العربی یهدد استقرار المنطقه، سایت اینترنتی شبکه بال [www.ipalps.com/ar/he/ipal14295](http://www.ipalps.com/ar/he/ipal14295)
- ۳) گیورا ایلاند، قلاقل الشرق الاوسط و امن اسرائیل: سلسله گزارشات استراتژیک موسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل دانشگاه تل‌آویو، جولای ۲۰۱۱ [hep.inss.org.il/uploadimages/import/%28fi1%](http://hep.inss.org.il/uploadimages/import/%28fi1%)
- ۴) هیثم ابو الغزلان، (اسرائیل فی ظلل التحولات و المخاطر الاستراتیجیه)، روزنامه دنیا الوطن الالکترونیه، ۲۰۱۲/۰۲/۱۳ [pulpit.alwataniove.com/content/2512382](http://pulpit.alwataniove.com/content/2512382)
- ۵) روزنامه معاریف چاپ به‌صورت زبان عبری، اسرائیل، ۲۰۱۲/۰۹/۲۸ (محمود علی)
- ۶) سامر راشد، المنظور الاسرائیلی لمستقبل الصراع مع الفلسطینین علی ضوء الثورات العربیه، روزنامه حق العوده، اکتبر ۲۰۱۲
- ۷) زینب السحلی، انعکاس الثوره المصریه علی حل القضیه الفلسطینیه، پایگاه روزنامه الکرمل ۲۰۱۲/۱۲/۲۷ (چاپ متنی)
- ۸) نبیل برغال، المخاوف الاسرائیلیه من الثوره السوریه، خبرگزاری لیل و نهار ۲۰۱۲/۱۱/۲۳ (چاپ متنی)
- ۹) هر تسلیا یفتتح اعماله، اسرائیل معزوله و غارقه فی الماضی، روزنامه الاخبار، بیروت، ۲۰۱۲/۰۲/۰۱ (چاپ متنی)
- ۱۰) گیورا ایلاند، الاحتیاجات الامنیه الحیویه لاسرائیل فی المرحله المقبله، روزنامه هآرتص ۲۰۱۰/۱۲/۰۵ (به زبان عبری) (چاپ متنی)
- ۱۱) محسن محمد صالح، السلوک الاسرائیلی تجاه الثورات العربیه، سایت اینترنتی مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات، بیروت، ۲۰۱۱/۰۴/۰۶ (چاپ متنی)
- ۱۲) سفیر سابق اسرائیل در مصر، الجزیره صورت لایران من قطر و تعمل لصالح حماس، روزنامه البوم السایع القاهره، ۲۰۱۲/۰۳/۱۳ (چاپ متنی)
- ۱۳) افرا بنجیو، اسرائیل و الربیع الکردی، پایگاه اینترنتی وزاره الخارجیه الاسرائیلیه ۲۰۱۳/۰۵/۰۱ (چاپ متنی)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۱۴) مارک هیلر، من المبکر الاحتفال بما يحصل فی القاهره، معهد ابحت الامن القومي الاسرائیلی، ۲۰۱۱/۰۳/۰۱ (چاپ متنی) یحیی دبوق، موتمر هر تسلیا مشغول بالثورات العربیه، الاخبار ۲۰۱۱/۰۹/۱۶ (چاپ متنی)

۱۵) ولید عبدالحی، اسرائیل حیره امام الثورات العربیه المعاصره، مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات، ۲۰۱۱/۱۱/۲۷ (چاپ متنی)

۱۶) احمد الفاعوری، التحولات الاقلیمیة العربیه و اثرها علی نظریه الامن الاسرائیلی فی الفتره (۲۰۰۶-۲۰۱۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم، دانشگاه خاورمیانه ۲۰۱۱ (چاپ متنی)

## The Impact of the Arab Revolutions on the Security of the Zionist Regime

Receipt: 21/11/2024

Acceptance: 17/12/2024

Amirhossein jozdani

### Abstract

Islamic awakening in Arab countries created hope and transformation among the people of these countries. These revolutions appeared since 2010 and caused a change in the face of the region and internal and external influences. Some current trends in the strategic geography of West Asia are the result of Islamic awakening in Arab countries. These trends did not remain only in the Arab countries and affected Israel as well. The surveillance of the intelligence organizations of this regime from the Arab movements, intelligence-security measures, successively in order to stop the revolutionary forces, covert and subversive operations inside the Arab countries, extensive collection of news and information about the revolutionary developments, use and establishment of advanced technological systems. Against the Arab countries, it is part of the actions of these services against these revolutions. This study is devoted to the assessment of Israel's security, because Israel is one of the most important states that closely monitors the events of the Arab region. The Israelis were aware of the hidden capacities of the revolution and the readiness of all its conditions in the Arab countries, because tyranny had conquered Eastern Europe, Latin America and West Asia in the 1980s and 1990s

### Keyword

Revolution, Arab Revolution, Israel, Mossad, Zionist regime.

PhD student, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. amir.jozani10@gmail.com